

مؤتبی

تتبعات

(گزیده)

همراه با
شرح احوال و آثار نویسنده

ترجمه
احمد سمیعی (گیلانی)



انتشارات نیلوفر

فهرست

- پیش‌گفتار ۱۱
- درباره‌ی نویسنده و جایگاهِ فکری او ۱۵
- درباره‌ی تتبعات ۲۵

I بازنمود و ویژگی‌های اثر

- طرحی برای سال‌های ۱۵۶۰-۱۵۹۰ و جنگ‌های مذهبی هشتگانه؛ بافت تاریخی ۷۵
۱. مخالفت با عصری قرین تزویر و حسابگری‌های سیاسی ۷۶
۲. ترک شغل پارلمانی پس از ناکامی در جاه‌طلبی‌هایش ۷۷
۳. ترس از مرگ بی‌آنکه آنچه در قوه داشت به فعل درآورد
دیدارِ پیش‌رسِ مونتنی (در حدود سال‌های ۱۵۶۹-۱۵۷۰) با مرگِ خود
پس از مراسم عزاداری دوستش، ایتین بنوسیان (۱۵۶۳) و مرگ پدرش،
پی‌یر اِیکم (۱۵۶۸) ۷۹
۴. مالخولیای وابسته به رجعت به نفس و تفکرِ درباره‌ی همه‌ی ناخشنودی‌های تازه‌ی خود ۸۰
۵. آفرینش یک نوع ادبی؛ پیدایش مقاله‌ی تحقیقی ۸۴
۶. کشفِ هرج و مرجِ فکری در آزادی ۸۷
۷. آزمونِ قضاوتِ عقل ۸۸
۸. ۸۹

۲۰۳	اهمیتِ بخت و اقبال در همه‌ی احوال
۲۰۴	۲۳. پذیرشِ اهمیتِ بخت و اقبال
۲۰۷	انسان و جامعه، نگاهِ مونتنی به دین
۲۰۸	۲۴. عادت و ایمان

III خرامی شاعرانه و پرجست و خیز

۲۱۳	نویسنده و مخاطبانش: سیره‌ی هنری مونتنی، تکلف در زبان
۲۱۴	۲۵. درباره‌ی نقل شواهد در تتبعات، علاقه‌ی وافر به شیوه‌ی نگارش پلوتارک، بی‌پیرایگی در قلم سزار
۲۱۹	نویسنده و مخاطبانش: اظهارِ صداقت
۲۲۰	۲۶. سه نوع خواننده
۲۲۱	۲۷. صداقتِ انسان و نویسنده
۲۲۲	۲۸. تحوّل رابطه‌ی مونتنی با کتابش

۲۲۵	نمایه
-----	-------

1	فهرست مطالب به زبان فرانسه
4	ترجمه‌ی فرانسوی پیش‌گفتار

۹۰	۷. درون‌نگری بیست‌ساله
۹۳	مطالعه‌ی نفس؛ دفاع از طرح
۹۴	۸. نظر به نفس، ضامن روشن‌بینی و فاصله‌گیری از خویش
۹۶	۹. لذت و ثمراتِ بطالت: رفتاری این‌چنینی، خودخواسته حقیر و ممنوع
۱۰۱	پیدایش حسبِ حال
۱۰۲	۱۰. اهمیتِ درنگ‌ریستن در خود برای رهایی از حقایقِ ساخته و پرداخته
۱۰۴	۱۱. تمثالِ تمام‌قدِ مونتنی به قلم خودش
۱۰۷	مونتنی و باستانیان؛ اُسوه‌های متین‌تر و معتدل‌ترِ عصرِ بلوغ: سقراط و سِپسیون
۱۰۸	۱۲. هنرِ نفس به جریانِ امور سپردن: ایامینونداس، سیپیون افریقایی
۱۱۱	۱۱. ساختار و مضامینِ اصلی سه دفتر؛ دوستی و نقشِ تعلیم و تربیت
۱۱۲	۱۳. ستایشِ اِتینِ بثوسیائی
۱۱۳	۱۴. تعلیم و تربیتی به طریقه‌ی جدید
۱۱۷	۱۵. تعلیم و تربیت از نظر پی‌یر اِنکیم، پدر مونتنی
۱۲۱	مراقبتِ پدران و اهمیتِ آزادی
۱۲۲	۱۶. آزادی فکر: نشانه‌ی حرکتی توازنی نه به تذبذب بلکه با سبک سنگین کردنِ دلایل
۱۲۳	۱۷. آزادی وجدان: تمجید یولیانیوس مرتد و مقایسه‌ای که مونتنی با عصر خود کرده است

II کاوشگری دور از سرسختی

۱۲۹	سودای معرفت؛ طعم حقیقت
۱۳۰	۱۸. مزایا و مهالکِ رویاروییِ عقاید
۱۳۵	ردّ و انکارِ نظام‌ها، آگاهی بر بی‌ثباتیِ اشیا
۱۳۶	۱۹. هستی و گذار
۱۳۹	مونتنی مردم‌شناس، روزنامه‌نگارِ پیش از دورانِ پختگی، حکیمِ اخلاقی؛ کشفِ ارضِ جدید (ینگی دنیا) و قتل‌عام‌ها
۱۴۰	۲۰. ما و دیگران، بربریت و تمدن، بازی آینه‌ها
۱۶۴	۲۱. ما و دیگران، قاره‌ی قدیم و ینگی دنیا، آینه‌ها می‌شکنند
۱۹۹	حکیمِ اخلاقی، زن و عشق
۲۰۰	۲۲. احتیاط و بی‌احتیاطی در کارِ عشق‌ورزی

قوانین طبیعت زیست می‌کنند، یقین داشته باش که با کمال میل خود را در این کتاب سر تا پا و برهنه‌ی برهنه وصف می‌کردم. بدین‌سان، ای خواننده، من خود موضوع کتاب خویشم و عاقلانه نیست که بهره‌ای از اوقات فراغت ترا با موضوعی چنین بی‌قدر و بیهوده مشغول دارم؛ پس خداحافظ، دو مونتینی*، اول مارس ۱۵۸۰.

۱. مخالفت با عصری قرین تزویر و حسابگری‌های سیاسی^۱

خطاب به خواننده

ای خواننده، تو پیش روی خود کتابی داری بی‌روی و ریا که، هم از آغاز، خبرت می‌کند که من جز مقاصدی از نوع خانوادگی و شخصی اختیار نکرده‌ام. من، در این کتاب، دل نه به علاقه‌ی تو مشغول داشته‌ام نه به افتخار خود: برای تعهد اجرای چنین طرحی نیروی کافی ندارم. دلم می‌خواست که این کتاب، پیش از هر چیز، برای نزدیکان و دوستانم هموار باشد و آنان، چون مرا از دست دهند - که دیر هم نخواهد بود - بتوانند پاره‌ای از خصوصیات منش و طبع مرا در آن باز یابند و شناختی را که از من دارند تمام‌تر و زنده‌تر نگه‌دارند. اگر برای کسب مواهب به نوشتن می‌پرداختم، خود را بهتر می‌آراستم و رفتاری سنجیده‌تر نشان می‌دادم. اما دلم می‌خواهد که مرا آن‌چنان که در هیئت ساده و طبیعی و عادی خود هستم، بی‌تکلف و صنعتی، ببینند؛ چون خودم را وصف می‌کنم. عیب‌ها و هم‌بی‌ریایی من، دست کم تا آن‌جا که آداب اجازه دهد، در جا خوانده می‌شوند. اگر از آن قبایلی بودم که می‌گویند هنوز هم در آغوش آزادی‌نوشین نخستین

۱. عنوان‌های آغازین از برگرداننده‌ی متن به زبان فرانسه‌ی امروزی است.

۲. ترک شغل پارلمانی پس از ناکامی در جاه‌طلبی‌هایش (دفتر سوم، ۱)

درباره‌ی آنچه سودمند و شرافتمندانه است

قوانین مرا از نگرانی بزرگی رها ساختند: راهی برایم برگزیدند و سروری به من دادند؛ همه‌ی سروری‌ها و وظایف دیگر، در برابر آن وظیفه، باید نسبی و در نتیجه محدود باشند. بدین‌سان، نخواهند گفت که، هرگاه عواطفم مرا به راهی دیگر سوق دهند، بی‌درنگ پشتیبان آن راه خواهم شد. اراده و خواست قانون‌سرخودند؛ اما قانون اعمال از نظم عمومی گرفته می‌شود.

تمام این طریقه‌ی اقدام من به‌راستی با رسم و عادت ما اندکی اختلاف دارد؛ اما این به گونه‌ای نیست که آثاری مهم و پایدار داشته باشد؛ حتی افراد معصوم نمی‌توانند روراست داد و ستد کنند یا بی‌دروغ بر سرِ بها چانه زنند. لذا، مشاغل دولتی به هیچ‌رو عرصه‌ی شکار من نیست. آنچه را جایگاه اجتماعی من در این زمینه اقتضا دارد، به صورتی هر چه فردی‌تر در اختیار می‌گذارم. در جوانی، مرا تا بناگوش در مشاغل دولتی فرو بردند و کار بر مراد بود؛ مع‌الوصف زود

* de Montaigne، این نام بر فصری اطلاق می‌شود که مونتینی در آن زاده شد و زیست، اما این امضای نویسنده هم هست.

از آن جدا گشتم. از آن پس، بارها از آلوده شدن به آن پرهیز کردم، به ندرت آن را پذیرفتم و هرگز خود آن را درخواست نکردم؛ به جاه طلبی پشت می کردم: البته نه آن چنان که پاروزنان به سگان پشت می کنند و پس پس می روند؛ اما، به هر حال، چندانی که، اگر هم درگیر کار نشده ام، کم تر آن را مدیون استواری خود باشم تا مرهون بخت؛ چون راه هایی نزدیک تر به ذوق و طبع من و موافق تر با استعداد من هست که اگر جاه طلبی سابقاً مرا به ورود در کار دولتی و پیشروی به سوی قدر و منزلت دنیوی فراخوانده بود، می دانم که، به رغم درستی استدلالم برای اجابت این دعوت، از آن راه ها می گذشتم.